

بررسی تطبیقی تعارض میان آزادی رسانه‌ها و حقوق مجرمین^۱

رضا معبودی نیشابوری^۲؛ سید علیرضا رضائی^۳؛ سیده محیا حسینی‌مدرس^۴

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۳/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۱

چکیده

رسانه‌ها با توجه به وسیع بودن مخاطبان و اثرگذاری سریع و گسترده‌ی اطلاعات ابرازی به وسیله‌ی آن‌ها، همیشه مشمول محدودیت‌هایی هستند. یکی از موضوعات مهم در این زمینه، اعلام جرائم ارتكابی و انتشار سوابق کیفری به وسیله‌ی اشخاص است. از طرفی انتشار مشخصات مجرم می‌تواند سبب آگاهی جامعه و اطرافیان وی جهت اتخاذ راهکارهای احتیاطی لازم گردد؛ اما از طرف دیگر انتشار مشخصاتی مانند تصویر، چهره و محل زندگی در مورد برخی از مجرمین می‌تواند مجرم را در معرض تلافی یا انتقام قرار دهد و با توجه به طرد وی از جامعه، موجب منتفی شدن امکان اصلاح مجرم مذکور گردد. لذا سؤال اصلی مقاله حاضر آن است که در تعارض میان اصل آزادی رسانه‌ها و اصل لزوم رعایت حقوق مجرمین، کدام اصل باید اعمال شود. در پژوهش حاضر، مسئله مورد اشاره، به شیوه مرور روشمند و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و بر اساس رویکرد اتخاذی در پرونده معروف جان ونبلز مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و در نهایت این پژوهش به این نتیجه نائل آمده است که افشای هویت، جرم ارتكابی و اقامتگاه مجرمین، در اکثر موارد موجب حفاظت جامعه نمی‌گردد و در مجموع شایسته است که رسانه‌ها با توجه به ملاحظات حقوق بشری، لزوم جلوگیری از اقدامات تلافی‌جویانه و اصل ایجاد امکان اصلاح مجرمین، از انتشار عمومی مشخصات مجرمین و جرائم ارتكابی آن‌ها منع شوند.

واژه‌های کلیدی

حقوق رسانه، اصل آزادی رسانه، حقوق بشر، افشای سوابق کیفری، حقوق مجرمین.

۱. این مقاله براساس نظر گروه دبیران و سردبیر فصلنامه، پژوهشی است.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۳. دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۴. دانشجوی کارشناسی، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

maboudi@um.ac.ir

alirezarezaee4771@mail.um.ac.ir

mahyamodares@yahoo.com

مقدمه

آزادی رسانه‌ها در دستیابی به اطلاعات قضایی و انتشار آن‌ها، می‌تواند برای جامعه آثار مفیدی داشته باشد؛ اما ممکن است به حقوق کسانی که در ارتباط با آن پرونده هستند، اعم از طرفین دعوا، شهود، مطلعین و... لطمه وارد شود. ممکن است متهمی که در جلسه دادگاه حضور دارد، در پایان جلسه دادرسی بی‌گناهی‌اش ثابت شود. حتی این احتمال وجود دارد که قاضی در حکم اولیه و بر اساس ادله موجود، وی را مجرم اعلام نماید؛ اما در مراحل بعدی مدارک جدیدی به دست قاضی برسد که باعث تغییر حکم گردد. در این موارد، آزادی رسانه‌ها باعث اختلال در اعمال اصل برائت متهمین پرونده، حق حریم خصوصی شرکت‌کنندگان و اصحاب دعوا و نظم عمومی می‌شود. (اقمشه و سلمانپور، ۱۳۹۴: ۱۲). انتشار گزارش دادرسی یا حکم اولیه دادگاه موجب می‌شود که متهم حیثیت خود را از دست بدهد و دیگر نتواند جایگاه اجتماعی سابق خود را به دست آورد.

همچنین تعارض میان منافع عمومی و خصوصی در زمینه انتشار سوابق کیفری، در مورد مجرمینی که حکم قطعی برای آنان صادر شده وجود دارد. از طرفی انتشار مشخصات مجرم می‌تواند سبب آگاهی جامعه و اطرافیان وی شود و موجب گردد افراد جامعه پس از آزادی مجرم از زندان، احتیاطات و ملاحظات را در ارتباط با او رعایت کنند تا قربانی جرائم دیگری که ممکن است به وسیله وی رخ دهد، نباشند. همین امر (طرد شدن از طرف جامعه) می‌تواند به‌عنوان یک عامل بازدارنده از ارتکاب جرم نیز به کار گرفته شود و از این طریق منافع عمومی جامعه را تأمین نماید؛ اما از طرف دیگر انتشار مشخصاتی مانند تصویر چهره و محل زندگی در مورد برخی از مجرمین می‌تواند مجرم را در معرض تلافی یا انتقام قرار دهد. یکی از حقوق مجرمین این است که نباید به بیش از آنچه در حکم دادگاه آمده، مجازات شوند و مورد خشونت‌های شخصی قرار گیرند. از این‌رو لازم است تا رسانه‌ها در زمینه انتشار مشخصات و هویت مجرمین توجه ویژه‌ای داشته و ضوابطی را در نظر گیرند.

هدف اصلی این مقاله تبیین حدود آزادی رسانه‌ها در شرایطی است که فعالیت آزادانه رسانه‌ها می‌تواند سبب تضییع حقوق مجرمین گردد. در این پژوهش که به شیوه تحلیلی-توصیفی و تطبیقی صورت گرفته است پس از تشریح ابعاد مختلف

آزادی رسانه‌ها و اثرگذاری رسانه‌ها در زندگی فردی و اجتماعی، حقوق مجرمین و تعارض میان آزادی رسانه‌ها با این حقوق در مراحل مختلف دادرسی مورد تحلیل قرار گرفته است. در این مقاله به طور خاص رویکرد اتخاذی در پرونده معروف جان ونبلز بررسی شده و معیارهایی که در این پرونده در جهت تبیین حدود آزادی رسانه‌ها در پرونده‌های قضایی به کار گرفته شده است، به عنوان یک راهکار در راستای حفظ حقوق مجرمین در کشور ما پیشنهاد شده است. در نهایت رویکرد حقوق ایران در خصوص تعارض میان آزادی رسانه‌ها و حقوق مجرمین مورد بررسی قرار گرفته و امکان پیاده سازی اصل لزوم رعایت حقوق مجرمین بر اساس معیارهایی که در پرونده جان ونبلز مطرح شده، در پرتو مستندات قانونی موجود در نظام حقوقی کشور ایران تبیین شده است.

پیشینه پژوهش

همواره یکی از موضوعاتی که همراه با آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها مطرح می‌گردد ضرورت حفظ حریم خصوصی افراد است. در زمینه حق حریم خصوصی افراد و ضرورت رعایت آن کتب و مقالات متعددی نگارش یافته است که از آن میان می‌توان به این موارد اشاره کرد:

مقامی و عطاران (۱۳۹۸)، پژوهشی تحت عنوان «موازنه افشای حریم خصوصی خانوادگی چهره‌های مشهور در رسانه‌ها و آزادی بیان در رویه نهادهای قضایی» انجام داده‌اند. در این پژوهش تزاخم میان دو حق آزادی بیان و حریم خصوصی افراد مشهور و راه حل‌های اتخاذ شده جهت رفع این تزاخم در نظام‌های حقوقی مختلف، مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های این پژوهش با توجه به اوضاع و احوال خاص هر پرونده و در صورتی که منفعت اجتماعی مهمی انتشار مطلبی را توجیه نماید، باید از حق آزادی بیان دفاع کرد و اگر چنین منفعتی وجود نداشته باشد، حفظ حریم خصوصی افراد ارجحیت دارد. این پژوهش صرفاً بر حفظ حریم خصوصی چهره‌های مشهور تمرکز دارد.

خادمی و بولاغ (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «نسبت حق حریم خصوصی و آزادی رسانه‌ها در رویه قضایی ایالات متحده آمریکا» ضمن بررسی مفهوم حق حریم خصوصی و مرور رویه قضایی در حقوق آمریکا، به این نتیجه رسیده‌اند که در

ایالات متحده آمریکا حریم خصوصی در موقعیت ضعیفی قرار دارد و این رسانه‌ها هستند که به وسیلهی دادگاه‌ها مورد صیانت قرار می‌گیرند و تنها در مواردی محدود، دادگاه از افراد در برابر تخطی رسانه‌ها به حریم خصوصی محافظت می‌کند.

افزون بر موارد فوق، در پژوهش‌های دیگری حق دسترسی رسانه‌ها به اطلاعات قضایی به طور کلی بررسی شده است؛ ولی حدود آن تبیین نشده است و تنها در یک مورد شرایط و ضوابط رسانه‌ای کردن هویت متهم صرفاً در فرایند تحقیقات مقدماتی و بر اساس مستندات قانونی نظام حقوقی ایران بررسی شده است. در ادامه مرور کوتاهی بر این پژوهش‌ها صورت گرفته است.

جعفری (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «صیانت از هویت اشخاص در دادرسی کیفری ایران با نگاهی بر حقوق شهروندی» اهمیت صیانت از هویت کلیه اشخاص پرونده قضایی (اعم از شاهد، مطلع، متهم و...) را تبیین و تشریح نموده است. در این مقاله خلأهای قانونی در زمینه صیانت از هویت متهم بیان گردیده و نقدهایی در این خصوص بر قوانین موجود مطرح شده است. پژوهشگر بر حمایت قانونی در جهت حفظ هویت کلیه اشخاص پرونده تاکید داشته است؛ اما حدودی برای آن قائل نشده و توجهی به اهمیت آزادی رسانه‌ها نداشته است.

انصاری (۱۳۹۰)، در پژوهشی تحت عنوان «مطالعه تطبیقی حق دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی»، پس از بررسی مبانی حق دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها، مزایا و معایب آزادی رسانه‌ها در دستیابی به اطلاعات قضایی را تبیین نموده است. در ادامه انواع شیوه‌های دسترسی و در نهایت وضعیت حق دسترسی به دادرسی‌ها در نظام حقوقی ایران بررسی شده است. در این پژوهش تعارض میان آزادی رسانه‌ها و برخی از اصول دادرسی منصفانه بیان گردیده و بر ضرورت ایجاد تعادل میان این دو تاکید گردیده است؛ اما معیارها و ضوابطی برای تشخیص اینکه در چه مواردی حفظ حقوق مجرمین بر آزادی رسانه‌ها اولویت دارد و یا بالعکس آزادی رسانه‌ها ارجحیت بیشتری نسبت به حفظ حقوق مجرمین دارد، ارائه نشده است.

اقمشه و سلمانپور (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «حق دسترسی رسانه‌ها به اطلاعات قضایی (با مطالعه تطبیقی در ایران فرانسه و آمریکا)» اهمیت ایجاد رابطه

صحیح میان اصحاب رسانه در دسترسی به اطلاعات قضایی با دستگاه قضا را تبیین نموده و بر ضرورت تعیین حد و مرز برای آن از طرف قانونگذار تاکید نموده‌اند.

جوان جعفری و نوروزی (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای تحت عنوان «رسانه‌ای کردن هویت متهم در فرایند تحقیقات مقدماتی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها» ضمن بیان اهمیت و نقشی که رسانه‌ها در جهت شناسایی متهم و بزه دیدگان در مرحله تحقیقات مقدماتی می‌توانند ایفا نمایند، معایب رسانه‌ای کردن هویت متهمین را نیز تشریح نموده‌اند. در این پژوهش ضوابط قانونی نظام حقوقی کشور ایران برای انتشار هویت متهمین در مرحله تحقیقات مقدماتی مورد بررسی قرار گرفته است. تمرکز این مقاله صرفاً بر روی انتشار هویت متهمین در مرحله تحقیقات مقدماتی است و ضوابط انتشار هویت مجرمین در سایر مراحل رسیدگی و حتی پس از صدور حکم قطعی مورد بررسی قرار نگرفته است. همچنین صرفاً ضوابط مطرح شده در مستندات قانونی خصوصاً قانون آیین دادرسی کیفری در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته؛ ولی سایر ضوابطی که در قانون مطرح نشده؛ اما به لحاظ حفظ نظم عمومی و یا منفعت اجتماعی بهتر است رعایت گردد، بررسی نشده است.

مروری بر سوابق تحقیق نشان می‌دهد که پژوهش‌های صورت گرفته بر اهمیت حفظ حریم خصوصی افراد و عدم افشای هویت متهمین در جهت اصل لزوم رعایت حقوق مجرمین، دلالت دارند. همچنین در پژوهش‌هایی که آزادی رسانه‌ها در تعارض با دستیابی به اطلاعات قضایی مورد بررسی قرار گرفته است، بر ضرورت ایجاد تعادل میان این دو اصل تاکید شده و بعضاً مستندات قانونی در این خصوص بررسی شده است؛ ولی هیچیک از پژوهش‌های قبلی راهکارهایی را در جهت تشخیص این امر که در چه پرونده‌هایی حفظ حقوق مجرمین بر آزادی رسانه‌ها اولویت دارد و یا بالعکس آزادی رسانه‌ها منفعت اجتماعی بیشتری نسبت به جلوگیری از انتشار اطلاعات قضایی دارد، ارائه نداده‌اند. نوآوری این پژوهش در این است که ضمن بررسی رویکرد اتخاذ شده در پرونده معروف جان ونبلز، معیارهایی در جهت تشخیص این امر معرفی شده است.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر مرور روشمند^۱ است. در این روش پس از شناسایی مطالعات موجود در یک موضوع خاص، یافته‌های آثار پژوهشی پیشین به عنوان نوعی تحلیل دوباره مورد ارزیابی قرار گرفته و در نهایت، به سؤالات اساسی و مهم پاسخ داده می‌شود. در مقاله حاضر نیز آثار موجود در خصوص آزادی رسانه‌ها و حقوق مجرمین مورد بررسی قرار گرفته‌اند و با توجه به مطالعات مذکور، تعارض میان دو موضوع مذکور بررسی و تحلیل شده‌اند. ابتدا، جستجوی منابع مورد نیاز از طریق بانک اطلاعاتی «هاین آنلاین»^۲ (جامع‌ترین بانک اطلاعاتی جستجوی آثار پژوهشی در علم حقوق) و «لکسیس نکسیس»^۳ صورت گرفت. پس از استخراج منابع مناسب اهداف پژوهش، داده‌های عمومی آنها از جمله عنوان، نویسنده، سال چاپ، یافته‌های مقاله استخراج گردیده است. در ادامه، با استفاده از معیارهای «برنامه مهارت‌های ارزیابی» مثل اعتبار مرجع چاپ کننده، میزان ارجاع، سال انتشار، به روز بودن، امکان بسط دادن نتایج، میزان دقت در تجزیه اطلاعات و وضوح بیان، آثار پژوهشی موجود از جهات مختلفی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. سپس، اطلاعات مربوط به آزادی رسانه‌ها و حقوق مجرمین از آثار مذکور استخراج شده و اطلاعات استخراج شده مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. سرانجام، اطلاعات استخراج شده و تحلیل‌های مرتبط با آن تحت عنوان کلی «مطالعه تطبیقی تعارض میان آزادی رسانه‌ها و حقوق مجرمین» ترکیب شده و ذیل سه عنوان اصلی به رشته تحریر درآمده‌اند. نتایج حاصل از این مقاله می‌تواند به تمامی اشخاص جامعه و همچنین قانونگذاران جهت تقنین مقررات کارآمد در این حوزه کمک شایانی نماید.

یافته‌های پژوهش

آزادی رسانه‌ها

حق آزادی بیان، اظهار عقیده، گردش و تبادل آزادانه اطلاعات از حقوقی هستند که هیچ حاکمیتی نمی‌تواند شهروندانش را از آن‌ها محروم کند. تحقق آزادی بیان

1. Systematic review
2. Hein Online
3. LexisNexis

نیازمند یک پیش‌زمینه و یک پس‌زمینه است. پیش‌زمینه لازم برای تحقق آزادی بیان وجود آزادی عقیده و اندیشه است؛ به این معنا که فرد حق دارد بدون آنکه به علت باورهای خود صدماتی در زندگی اجتماعی خویش ببیند، هرگونه اعتقاد و باوری نسبت به مذهب، سیاست، اخلاق و فلسفه داشته باشد. پس‌زمینه آن وجود آزادی پس از بیان است. اگرچه حاکمیت‌ها نمی‌توانند شهروندان را از حق آزادی بیان و اظهار عقیده محروم کنند؛ اما این حق را دارند که آزادی‌ها را محدود نمایند. البته این محدودیت‌ها باید موّجه، مناسب و شفاف و با اصول و ارزش‌های دینی و ملی جامعه و منافع و امنیت ملی سازگار باشند. بدین منظور لازم است دولت برای محدودسازی حق آزادی بیان مصلحت یا هدف قانع‌کننده‌ای داشته باشد و محدودیتی که اعمال می‌شود با محتوای بیان‌شده ارتباط نداشته باشد. (قاسمی و فنازاد، ۱۳۹۷: ۳۳) به‌طور مثال دولت می‌تواند برای حفظ یکپارچگی و انسجام جامعه، آزادی بیان برخی عقاید را محدود کند به شرط آنکه بدون توجّه به محتوای عقاید به‌طور یکسان اعمال شود.

مطابق ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر «هر کس حق آزادی اندیشه، تفکر و مذهب دارد. این حق مشتمل بر آزادی تغییر مذهب یا عقیده و آزادی در ابراز مذهب یا عقیده، خواه به تنهایی یا به اتفاق دیگران و خواه علنی یا غیرعلنی در امر عبادت، تعالیم، رسوم و آیین است. آزادی در ابراز مذهبی یا عقیده با هیچ محدودیتی مواجه نخواهد شد، مگر مطابق قانون و نیاز یک جامعه دموکراتیک در جهت تأمین امنیت عمومی، حمایت از نظم عمومی، سلامت یا اخلاق برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران» (تقی‌پور، ۱۳۸۲: ۱۱۸-۱۱۹).

امروزه یکی از نموده‌های آزادی بیان وجود آزادی در مطبوعات و رسانه‌هاست. این امر موجب می‌شود خبرنگاران و اصحاب رسانه بتوانند در چارچوب قانون و با تکیه بر اطلاعات صحیح و قابل اعتماد دیدگاه‌های خود را منتشر نمایند. این آزادی مشتمل بر «جستجو، جمع‌آوری و کسب آزادانه اخبار و اطلاعات و عقاید عمومی، انتقال و مخابره آزادانه آن‌ها، انتشار آزادانه روزنامه‌ها و پخش آزادانه برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، دریافت و مطالعه آزادانه مطبوعات و دریافت آزادانه برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی می‌شود» (طباطبائی موتمنی، ۱۳۷۵: ۱۷۰).

رسانه‌ها بر ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی مردم اثر می‌گذارند و علی‌الخصوص با ورود رسانه‌های الکترونیکی، شبکه‌های اجتماعی و تلفن همراه، این تأثیر در حال گسترش است. محدوده آزادی بیان، عقاید و نظرات افراد مختلف در رسانه‌های امروز بسیار بیشتر از رسانه‌های سنتی گذشته است؛ زیرا بخش عمده‌ای از کاربران به‌صورت برخط و شبانه‌روزی امکان دسترسی به اطلاعات دیگران و انتشار افکار و عقاید خود را دارند. کنترل انتشار این نظرات و عقاید در بستر رسانه‌های امروزی بسیار دشوارتر است. (Roberts, 2003: 175).

از حیث قانون‌گذاری در حوزه آزادی بیان رسانه‌های غربی به دلیل قوانین شفاف، محدود نبودن در بیان نظرات، فعالیت حداکثری بخش خصوصی و... دارای تقدّم بیشتری در قانون‌گذاری هستند. (زمانی، رشادی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۳). در کشور ما نیز اصل ۲۴ قانون اساسی به حق آزادی بیان اشاره می‌کند. طبق این اصل «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند».

عبارت «مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی» اگرچه دارای ابهام است و به‌طور شفاف حیطه آزادی بیان را تعریف نمی‌کند؛ اما می‌تواند محدودیت‌هایی را برای اعمال حق آزادی بیان ایجاد نماید. اعمال این محدودیت‌ها در صورتی‌که از حدود متعارف تجاوز نکند، می‌تواند برای عموم جامعه آثار مثبتی داشته باشد که یکی از این مصادیق، اعمال محدودیت آزادی بیان جهت حفظ حقوق مجرمین است.

حقوق مجرمین

در اغلب جوامع برای مجازات مجرمین دلایل معقول، قانونی و موجهی وجود دارد. مجازات مجرمین می‌تواند با هدف تنبیه آنان و جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم، بازدارندگی سایر اعضای جامعه از ارتکاب جرم، حفظ امنیت و نظم عمومی و... صورت گیرد. (Hunter, 2010: 233; Timothy and Miller, 2010: 15). در عین حال باید پذیرفت که افراد مجرم نیز باید از حقوق بشری خود برخوردار شوند. در این صورت در چنین جامعه‌ای حقوق ذاتی همه انسان‌ها تأمین خواهد شد و رعایت حقوق مجرمین نفع عمومی جامعه را در پی خواهد داشت.

حقوق برخورداری از یک محاکمه عادلانه یک حق اساسی بشر است و یکی از اصولی است که اعلامیه حقوق بشر آن را به رسمیت شناخته و اساس سایر حقوق مجرمین است. حق دفاع، حق اطلاع از علت بازداشت و نوع اتهام، حق استفاده از مشاور حقوقی و وکیل، منع شکنجه، فرض برائت و... از جمله حقوقی است که در برخورد با مجرمین باید رعایت شود.

در مواد متعددی از کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به حقوق فوق اشاره شده است. در قسمت ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان شده که «هرکس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد، حق دارد بی‌گناه فرض شود؛ تا اینکه مقصر بودن او بر طبق قانون محرز بشود» که این ماده به فرض برائت اشاره دارد.

همچنین قسمت ۳ ماده ۱۴ این میثاق به حق اطلاع از نوع اتهام و حق دفاع اشاره دارد و بیان می‌کند: «هرکس متهم به ارتکاب جرمی بشود، حداقل حق تضمین‌های ذیل را خواهد داشت:

الف. در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود، مطلع شود.

ب. وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد.

ج. بدون تأخیر غیرموجه درباره او قضاوت بشود.

ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر حق حیات را به رسمیت شناخته و فقط در صورتی که حکم دادگاه مجازات قانونی سلب حیات را تعیین نموده باشد، تعرض به این حق را مجاز می‌داند؛ بنابراین مجازات مجرمین به بیش از آنچه در حکم دادگاه آمده است، مجاز نبوده و غیرمنصفانه می‌باشد. مطابق این ماده «حق هر کس برای حیات باید از طرف قانون حمایت شود. هیچ‌کس نباید عمداً از حیات محروم شود، مگر در اجرای حکم دادگاه در مورد جنایتی که مرتکب شده و مجازات آن در قانون مقرر شده است.» (تقی پور، ۱۳۸۲: ۱۱۶).

ماده ۳ این کنوانسیون به منع شکنجه اشاره دارد. طبق این ماده «هیچ‌کس

نباید در معرض شکنجه یا اقدامات غیرانسانی یا مجازات‌های تزدیلی قرار گیرد.» (تقی‌پور، ۱۳۸۲: ۱۱۶).

در فرآیند کیفری که از مرحله کشف جرم تا اجرای حکم است، رسانه نقش قابل‌توجهی دارد و می‌تواند بر روند رسیدگی و رعایت حقوق مجرمین تأثیرات مثبت و منفی داشته باشد. آزادی رسانه‌ها در فرایند کیفری که نمود بارز آن علنی شدن دادرسی و انتشار حکم محکومیت به‌وسیله رسانه‌هاست، می‌تواند منجر به محاکمه عادلانه با داشتن اثرات مثبتی همچون پاسخگویی حداکثری نظام قضایی نسبت به جامعه، افزایش دقت در صدور رأی و پرهیز از اطاله دادرسی گردد. از طرفی افشای مشخصات و هویت متهمان و حتی مجرمین می‌تواند نقض حریم خصوصی آنان به شمار آمده و مغایر با برخی از اصول حقوق بشر مانند حق حیات و منع شکنجه باشد. در این موارد آزادی رسانه‌ها با حقوق مجرمین تعارض پیدا می‌کند که باید این تعارضات را شناسایی کرد و رویکردی منصفانه در برابر آن‌ها اتخاذ نمود.

از لحاظ جامعه‌شناختی باید توجه داشت که ممکن است اساساً مجرمین قصد داشته باشند اطلاعاتشان برای مشهور شدن از طریق رسانه‌ها منتشر شود و آن‌ها رفتارهای تصنعی و غیرواقعی از خود بروز دهند. درواقع ممکن است اشخاص سعی کنند از این‌روش برای نمایش عمومی بهره برند.

تعارض میان آزادی رسانه‌ها و حقوق مجرمین

به‌طورکلی رسانه‌ها با انتشار اطلاعات مربوط به تحقیقات مقدماتی، جلسات دادرسی و حکم محکومیت نقش مهمی را در فرایند رسیدگی کیفری و حتی پس از آن می‌توانند ایفا نمایند. آزادی رسانه‌ها در این سه مرحله از فرایند کیفری آثاری دارد و در برخی موارد با حقوق متهمان و مجرمین تعارض پیدا می‌کند. در ادامه به بررسی تعارض میان آزادی رسانه‌ها و حقوق مجرمین در هر یک از سه مرحله زیر پرداخته می‌شود: «آزادی رسانه‌ها و حقوق مجرمین در مرحله تحقیقات مقدماتی» (۳/۱)، «آزادی رسانه‌ها و حقوق مجرمین در جلسات دادرسی» (۳/۲) و «آزادی رسانه‌ها در انتشار حکم محکومیت و حقوق مجرمین» (۳/۳).

آزادی رسانه‌ها و حقوق مجرمین در مرحله تحقیقات مقدماتی

یکی از مشکلاتی که مراجع صلاحیت‌دار انتظامی و قضایی در تمام کشورهای دنیا با آن مواجه هستند، متواری شدن و عدم دسترسی به بزهکار است. (Bennett and Hess, ۲۰۰۶: ۱۷). برای حلّ این مشکل راهکارهای متنوعی ارائه شده است که مهم‌ترین آنها، استفاده از رسانه‌های عمومی و مطبوعات برای انتشار مشخصات و چهره متهمان جهت شناسایی و تعقیب است. امروزه این عملیات در روزنامه‌های کثیرالانتشار، سایت‌های خبری پربیننده، تلویزیون، شبکه‌های مجازی و... به وسیله انتشار نام یا مشخصاتی که هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی متهم را معرفی نماید، صورت می‌گیرد. رسانه‌ای کردن هویت متهم باعث مشارکت دادن مردم در فرایند تعقیب شده و موجب می‌شود تا شهروندانی که از موقعیت متهم اطلاعی دارند، جهت کمک به شناسایی و یافتن متهم مراجعه نمایند. (جوان جعفری و نوروزی، ۱۳۹۹: ۲۲۸-۲۳۱).

اثر مثبت دیگر رسانه‌ها در این مرحله، پیشگیری از وقوع جرم است. هنگامی که رسانه‌های جمعی مشخصات بزهکاران، جرم و نحوه ارتکاب جرم از طرف آنان را اطلاع‌رسانی می‌کنند، به‌طور ضمنی با دادن هشدار و آگاهی به سایر افراد باعث می‌شوند تا آنان قربانی جرائم احتمالی که ممکن است در آینده به‌وسیله این بزهکاران صورت بگیرد، نشوند. همچنین بازدارندگی ممکن است به این نحو باشد که متهم با ملاحظه رسانه‌ای شدن هویتش از ارتکاب جرائم دیگر پرهیز کند.

در برخی موارد بزهکاری که مرتکب جرائم متعدد شده است، بازداشت می‌شود؛ اما بزه‌دیدگان نامعلوم هستند و یا از توقیف وی اطلاعی ندارند. در این موارد انتشار هویت و مشخصات متهم به‌وسیله رسانه‌ها باعث آگاهی بزه‌دیدگان شده تا جهت اقامه دعوا مراجعه نمایند. (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۴۵). همچنین انتشار چهره و مشخصات متهم بازداشت شده باعث می‌شود که اگر شخص ثالثی از هویت اصلی متهم و جرائم ارتکابی او اطلاعاتی داشته باشد، بتواند این اطلاعات را در اختیار مراجع صلاحیت‌دار قرار دهد. (جوان جعفری و نوروزی، ۱۳۹۹: ۲۳۲).

اگرچه آزادی رسانه‌ها در انتشار مشخصات و هویت متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی می‌تواند آثار مثبتی را که در سطور بالا ذکر شد، داشته باشد؛ اما

معایبی را نیز به همراه دارد. چراکه ممکن است متهم در فرایند دادرسی کیفری محکوم نشده و در نهایت از او رفع اتهام گردد. در این شرایط شناساندن متهم به مردم باعث هتک حیثیت و نقض حقوق معنوی وی می‌شود. (جوان جعفری و نوروزی، ۱۳۹۹: ۲۳۲). اصولاً برای تمامی متهمان اصل برائت جاری است و تا قبل از اثبات جرم در محکمه باید حیثیت متهمان از تعرض مصون بماند. چه‌بسا چنین اقدامی باعث انزوای فرد از اجتماع شده و وی را به سمت ارتکاب اعمال نامشروع سوق دهد.

از معایب رسانه‌ای کردن هویت متهم، تحریف شهادت شهود است که ممکن است منجر به مجازات فردی شود که مجرم واقعی نیست. در صورتی که بزه‌کار واقعی شخصی غیر از متهم تحت تعقیب باشد، انتشار هویت و مشخصات متهم و فعالیت‌های رسانه‌ای در این زمینه ممکن است موجب شود که شاهد تصور کند اشتباه کرده و مرتکب واقعی جرم همان متهم رسانه‌ای شده است و یا حتی ممکن است شاهد تصور کند که اگر برخلاف اطلاعات منتشرشده از رسانه‌ها، مجرم واقعی را معرفی کند به دروغ‌گویی و افترا متهم خواهد شد. (جوان جعفری و نوروزی، ۱۳۹۹: ۲۳۵). لذا ممکن است فعالیت رسانه‌ها بر شهود تأثیر بگذارد و باعث تحریف شهادت آن‌ها گردد و یا از اقامه شهادت به‌وسیله آن‌ها جلوگیری نماید.

عوام‌گرایی کیفری یکی دیگر از آثار منفی رسانه‌ای کردن هویت متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی است. بدین توضیح که با انتشار مشخصات متهم، نوعی نگرش منفی نسبت به وی در بین مردم شکل می‌گیرد و باعث فشار بر دستگاه قضایی جهت صدور حکم محکومیت یا رأی به مجازات سنگین می‌شود. درواقع در چنین شرایطی متهم قبل از محاکمه در دادگاه، در فضای رسانه‌ها و به تبع آن در جامعه محکوم می‌شود و اگر قاضی بخواهد حکم به برائت یا مجازات سبک‌تری بدهد، مسیر دشواری خواهد داشت. (جوان جعفری و نوروزی، ۱۳۹۹: ۲۳۳).

در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا نیز انتشار عمومی اطلاعات قبل از محاکمه، معارض با اصل عدم پیش‌داوری دانسته شده و دیوان عالی ایالات متحده آمریکا آرای متعددی را به دلیل اینکه انتشار اطلاعات قبل از صدور رأی، بر رأی قضات مؤثر

بوده، باطل نموده است. (خادمی و بولاق، ۱۳۹۹: ۵۹-۶۰).

در نهایت با توجه به نکاتی که بیان شد چنانچه انتشار مشخصات متهم بهوسیله رسانه‌ها از نظر مراجع ذیصلاح ضروری و مفید تلقی شود، باید برای حفظ حقوق مجرمین و عدم تجاوز به حریم خصوصی متهمین، شرایط و ضوابطی در نظر گرفته شود؛ ازجمله اینکه انتشار رسانه‌ای مشخصات و هویت متهمین متواری صرفاً برای جرائم عمدی مهم و باوجود دلایل کافی برای اثبات اتهام مجاز باشد و یا در صورتی که متهم بازداشت شده است، تنها پس از اقرار وی به ارتکاب جرائم نسبت به افراد نامعلوم، انتشار هویت متهم جهت شناسایی بزه‌دیدگان صورت گیرد.

آزادی رسانه‌ها و حقوق مجرمین در جلسات دادرسی

اصل علنی بودن محاکم، حمایت از حق آزادی اطلاعات، آزادی بیان و اطلاع‌رسانی به جامعه و نظارت بر دادرسی منصفانه ایجاد می‌کند تا رسانه‌ها برای پوشش خبری دادرسی‌ها در دادگاه‌ها حضور داشته و از نزدیک روند دادرسی و اخبار و اطلاعات مربوط به آن را منتشر کنند. (اقمشه و سلمانپور، ۱۳۹۴: ۱۱۹). به همین دلیل در اواخر قرن نوزدهم برگزاری جلسات علنی دادگاه‌ها مرسوم بود. (Summers, ۲۰۰۷: ۳۹). در خصوص اصل علنی بودن دادرسی دو رویکرد وجود دارد: برخی این اصل را تفسیر مضیق نموده و صرفاً عدم مانع برای حضور در دادرسی را معیار علنی بودن آن می‌دانند؛ اما گروهی دیگر با تفسیر موسّع از اصل علنی بودن معتقدند که حضور فیزیکی شرط و معیار علنی بودن نبوده و باید امکان دسترسی برای عموم مردم و رسانه‌ها همانند دسترسی الکترونیکی و آنلاین فراهم باشد. (انصاری، ۱۳۹۰: ۲۷۱-۲۷۲).

دسترسی آزاد مردم به اطلاعات و آگاهی آنان از اخبار پیرامونی خود یکی از حقوق بنیادین بشری و شهروندی است که تأمین آن از وظایف دولت‌ها به شمار می‌رود و در اسناد حقوق بشری و قوانین اساسی کشورها از آن حمایت شده است. (اقمشه و سلمانپور، ۱۴۹۴: ۱۲۰). حضور رسانه‌ها در جلسات دادرسی و گزارش اخبار و اطلاعات مربوط به دادرسی‌ها می‌تواند از مصادیق حق دسترسی آزاد به اطلاعات باشد.

دسترسی رسانه‌ها به جلسات دادرسی و انتشار اطلاعات مربوط به آن‌ها، در کنار آثار مفیدی که دارد می‌تواند در اعمال اصول و حقوقی مانند اصل برائت متهمین پرونده، حق حریم خصوصی شرکت‌کنندگان، نظم عمومی و اداره جلسات دادرسی اختلال ایجاد کند. ممکن است متهمی که در دادگاه حضور دارد و هویت و چهره‌اش از طریق رسانه‌ها منتشر می‌شود، پس از مدتی و در طی روند دادرسی تبرئه شود؛ ولی پخش گزارش دادرسی و اطلاعات مربوط به آن باعث هتک حیثیت وی گردد. همچنین حق دسترسی آزادانه رسانه‌ها به اطلاعات قضایی می‌تواند موجب نقض حریم خصوصی افراد درگیر در پرونده مانند طرفین دعوا، شهود، کارشناسان و غیره شود. (اقمشه و سلمانپور، ۱۳۹۴: ۱۲۱-۱۲۳).

برای رفع تعارض میان حق آزادی مردم و رسانه‌ها بر دستیابی به اطلاعات و سوابق کیفری و رعایت حقوق مجرمین و منافع آن‌ها، می‌توان معیارهایی مثل شدت جرم، شخصیت مجرم (مجرم یک شخصیت عمومی یا یک فرد عادی است)، دلایلی که مفید بودن انتشار هویت مجرم را توجیه می‌کند و میزان سازگاری جرم مورد بحث با تصویر عمومی آن فرد در جامعه را در نظر گرفت. (اقمشه و سلمانپور، ۱۳۹۴: ۱۲۴)؛ بنابراین قبل از اقدام به انتشار اطلاعات مربوط به جلسات دادرسی توسط رسانه‌ها، باید معیارهای فوق و احتیاطات متناسب با پرونده مورد بحث، به دقت بررسی شود تا موجب تعرض به حقوق مجرمین و دیگر شرکت‌کنندگان در جلسات دادرسی نشود.

آزادی رسانه‌ها در انتشار حکم محکومیت و حقوق مجرمین

حکومت‌ها همواره مجازات را به‌عنوان ابزاری برای برقراری نظم و امنیت در جامعه به کار می‌برند که این نظم و امنیت از خاصیت بازدارندگی مجازات‌ها نشأت می‌گیرد. اعمال مجازات سبب تنبیه فرد مجرم شده، او را از ارتکاب دوباره آن جرم باز می‌دارد. از طرف دیگر به سایر افراد جامعه نیز این پیام را می‌دهد که در صورت ارتکاب این جرم، چنین مجازاتی در انتظار آن‌ها خواهد بود. لذا یکی از آثار مثبت انتشار حکم محکومیت می‌تواند ایجاد ترس در مجرمین بالقوه باشد و سبب بازدارندگی آن‌ها و پیشگیری از وقوع جرم شود.

همچنین از آنجایی که جایگاه اجتماعی و حیثیت افراد، یکی از مهم‌ترین دارایی

آن‌ها به شمار می‌رود، انتشار حکم محکومیت، تصویر و مشخصات مجرم از طریق رسانه‌ها باعث هتک حیثیت و آبروی وی شده و می‌تواند به‌عنوان نوعی مجازات به کار گرفته شود و موجب شود تا افراد برای حفظ جایگاه اجتماعی و آبروی‌شان، مرتکب برخی از جرائم نشوند.

باوجود آثار مثبتی که انتشار حکم محکومیت می‌تواند در پی داشته باشد، باید ضوابط و محدودیت‌هایی بر انتشار احکام محکومیت اعمال شود و به نظر می‌رسد در صورتی که رسانه‌ها در این زمینه آزادی مطلق داشته باشند، در برخی موارد می‌تواند موجب اخلال در نظم و امنیت جامعه شده و با برخی از حقوق مجرمین متعارض باشد.

همچنین باید توجه داشت که تنها در صورتی می‌توان نسبت به نشر احکام اقدام نمود که این احکام قطعی شده باشند و تا زمانی که امکان تجدیدنظر از رأی صادره وجود داشته باشد، به‌هیچ‌عنوان نباید اجازه انتشار حکم به رسانه‌ها داده شود؛ چراکه این موضوع با اصل برائت متهمین سازگاری ندارد. چه‌بسا قاضی در صدور حکم اشتباه کرده باشد و یا مدارک جدیدی به دست قاضی برسد که منجر به تغییر حکم شود.

همچنین انتشار کامل حکم محکومیت و جزئیات نحوه ارتکاب جرم مجرمین حرفه‌ای، می‌تواند در حوزه بازدارندگی اثر معکوس داشته باشد. یعنی نه‌تنها باعث پیشگیری از جرم نشود؛ بلکه نحوه ارتکاب جرم را به مجرمین کم‌تجربه‌تر بیاموزد.

در برخی از پرونده‌ها شدت جرائم و نحوه ارتکاب آن‌ها به‌گونه‌ای بوده که انتشار مشخصات پرونده، باعث جریحه‌دار شدن احساسات عمومی جامعه شده است. در برخی موارد ممکن است پرونده رسانه‌ای شده درواقعیت تفاوت چندانی با سایر پرونده‌هایی که موضوع آن‌ها همان جرم بوده است، نداشته باشند؛ اما به سبب فعالیت‌های رسانه‌ای در اذهان عمومی پررنگ شده و توجهات نسبت به آن پرونده جلب شده است. در چنین مواردی ممکن است اعضای جامعه، مجازات تعیین‌شده برای فرد مجرم را کافی ندانسته و خواهان مجازاتی شدیدتر از آنچه در حکم دادگاه پیش‌بینی‌شده برای مجرم باشند. حال اگر حکم دادگاه با تمام جزئیات که شامل نام، تصویر متهم و محل سکونت وی است، منتشر شود، ممکن

است اعضای خانواده او و یا حتی خود مجرم در زندان یا پس از آزادی از زندان مورد انتقام‌گیری‌های شخصی قرار گیرند. این موضوع با برخی از اصول حقوق بشری مانند حق حیات و منع شکنجه و همچنین اصل شخصی بودن مجازات‌ها تعارض دارد. برای جلوگیری از این موضوع بهتر است در چنین مواردی انتشار حکم محکومیت با محدودیت‌هایی مواجه شود. به‌طور مثال اجازه انتشار هویت، چهره متهم و محل زندگی او به رسانه‌ها داده نشود. در مبحث بعدی نمونه‌ای از این قبیل پرونده‌ها و رویکرد اتخاذی آن مورد بررسی و بحث قرار می‌گیرد.

در وضعیت کنونی مقررات حقوق ایران، رسانه‌ها در صورت وجود دستورهای قضایی جهت افشای اطلاعات مجرمین، ملزم به تبعیت هستند؛ زیرا چنین موضوعی در ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ به رسمیت شناخته شده است. ماده مذکور اشعار می‌دارد:

«انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، در رسانه‌ها مجاز است. بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکومعلیه فقط در موارد مقرر در قانون امکان‌پذیر است. تخلف از مفاد این ماده در حکم افتراء است.

تبصره ۱- هرگونه عکس‌برداری یا تصویربرداری یا ضبط صدا از جلسه دادگاه ممنوع است؛ اما رئیس دادگاه می‌تواند دستور دهد تمام یا بخشی از محاکمات تحت نظارت او به‌صورت صوتی یا تصویری ضبط شود.

تبصره ۲- انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمات علنی که متضمن بیان مشخصات شاکی

و متهم است، در صورتی‌که به عللی از قبیل خدشه‌دار شدن وجدان جمعی و یا حفظ نظم عمومی جامعه، ضرورت یابد، به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه قضائیه امکان‌پذیر است.»

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در تبصره ۲، امکان انتشار مشخصات متهم و شاکی در شرایط خاصی پیش‌بینی شده است. درواقع در صورتی‌که ارتکاب جرم به نحوی از انحاء، موجب جریحه‌دار شدن وجدان جمعی شده باشد همانند

پرونده‌های قتل که گاه با پوشش وسیع رسانه‌ای مواجه شده و موجی از نگرانی را در میان شهروندان پدید می‌آورد یا در صورتی که انتشار مشخصات متهم و شاکی برای حفظ نظم عمومی ضروری باشد، در صورت درخواست دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه قضائیه، امکان انتشار مشخصات متهم و شاکی وجود دارد. دشواری‌های فراروی قوه قضائیه در دهه‌های اخیر و پرونده‌هایی که طرح عمومی بسیاری پیدا کرده‌اند در کنار لزوم اطلاع‌رسانی به افکار عمومی سبب شده است قانون‌گذار به تدریج به سمت کاهش و تعدیل ممنوعیت انتشار جریان رسیدگی پیش رود. (مرادی حسن‌آباد، ۱۳۹۳: ۱۵۷).

بی‌شک یکی از اهداف قانون‌گذاری کیفر در اسلام تطهیر یا اصلاح فرد و جامعه است. (فیض، ۱۳۷۹: ۳۸۳). از دیدگاه اسلام آثار اعمال کیفر صرفاً آثار دنیوی و مادی نیست؛ بلکه علاوه بر آن اثر معنوی تطهیر مجرم از آثار سوء ارتکاب جرم را نیز در پی دارد. بیشترین توجه حقوق اسلامی به اصلاح و تربیت مجرمین و آماده کردن آن‌ها برای بازگشت به زندگی سالم است؛ نه صرفاً مجازات مجرمین. اهقیت به حقوق زندانیان از حیث تأمین مایحتاج، دادن حق ملاقات، استفاده از هوای آزاد و نیز انجام دادن عبادات در داخل زندان و نماز جمعه و عید در خارج زندان که در کتاب‌های آداب القضاء طرح شده است، نشان از توجه به تربیت و اصلاح مجرمان و برگرداندن آنان به زندگی سالم جامعه دارد. به‌منظور حفظ مقام و ارزش عالی انسانی و تقویت آن در جرائمی که جنبه الهی دارد و با حیثیت و آبروی افراد ارتباط نزدیک و مستقیم دارد، از باب امتنان و تفضل سعی در مخفی نگه داشتن آن شده تا ضمن بازداشتن از اشاعه فحشا، آبرو و شخصیت اجتماعی افراد آسیب نبیند و در عین حال فرصت کافی برای توبه و اصلاح مجرم وجود داشته باشد. در خصوص مجرمی که حد بر او جاری شده و مورد مجازات قرار گرفته است نیز ممنوع شده است که شخصیت او را تحقیر نمایند. (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ ه. ق: ۳۷۵). این دستور اخلاقی تأثیر بسزایی در بازسازی فکری و اخلاقی مجرم دارد و سبب می‌شود که جایگاه اجتماعی او به خاطر مجازات شدن تخریب نگردد و امکان بازگشت او بدون اینکه مورد هتک شخصیتی قرار گیرد، به جامعه فراهم شود. یعنی در واقع در صورت افشای اطلاعات مجرم، مجازات به جای اینکه موجب اصلاح و تربیت فرد گردد، موجب آن شود که حتی فرد از دایره اصلاح و تربیت اسلامی نیز خارج گردد.

۴. رویکرد اتخاذی در پرونده جان ونبلز در تعارض میان آزادی رسانه‌ها و حقوق

مجرمین

در ماه فوریه ۱۹۹۳، جان ونبلز به همراه رابرت تامپسون که هر دو ده ساله بودند، پسر بچه دوساله‌ای به نام جیمز بالجر را می‌ربایند. سپس طفل دوساله را به شدت مورد شکنجه و آزار جنسی قرار می‌دهند. کودک در اثر جراحات و ضربات وارده جان خود را از دست می‌دهد. مدتی بعد پیکر کودک روی ریل خط آهن پیدا می‌شود. پس از تحقیقات پلیس، جان ونبلز و رابرت تامپسون دستگیر می‌شوند. این جنایت در آن زمان، احساسات عمومی جامعه را به شدت جریحه دار کرد.

دو قاتل نوجوان تا سن ۱۸ سالگی در حبس نگاه داشته شدند و به دلیل حساسیت موضوع و خطراتی که آن‌ها را تهدید می‌کرد، در سال ۲۰۰۱ و پس از آزادی از زندان به آن‌ها هویت‌های جدیدی اعطا شد و همچنین دادگاه دستور داد که انتشار اطلاعات در مورد مشخصات و هویت جدید جان ونبلز و رابرت تامپسون به وسیله رسانه‌ها ممنوع شود. در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۸ مجدداً پرونده‌هایی در خصوص انتشار مشخصات و هویت آقای جان ونبلز در دادگاه مطرح شد. رویکرد اتخاذی این دو پرونده در تعارض میان آزادی رسانه‌ها و حقوق مجرمین شایان توجه است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴/۱. پرونده مطرح شده در سال ۲۰۱۰

این پرونده درباره دستوری است که در ۱۸ ژانویه سال ۲۰۰۱ به وسیله قاضی باتلر اسلاس صادر شد. در آن، انتشار یا تقاضا برای دستیابی به هر اطلاعاتی را در مورد چهره، مکان، اعمال یا هویت جدید جان ونبلز و رابرت تامپسون پس از رهایی آن‌ها از زندان (برای قتل جیمز بالجر دوساله) ممنوع کرد. قاضی باتلر اسلاس معتقد بود که اگر این دستور صادر نشود، این افراد به وسیله کسانی که قصد انتقام دارند، تعقیب خواهند شد. در این دستور اطلاعات مربوط به هرگونه رسیدگی در دادگاه‌های علنی استثنای شده بود.

در ماه می سال ۲۰۱۰ یک رسیدگی کیفری جدید برای جرم پورنو گرافی کودکان علیه جان ونبلز شروع شد. این رسیدگی کیفری با نام جدید او انجام پذیرفت تا از تعصب احتمالی در هنگام رسیدگی جلوگیری شود. زمانی که ونبلز به ارتکاب جرم

اعتراف کرد و روشن شد که این فرد محکوم خواهد شد، به این نتیجه می‌رسند که نفع عمومی در این است که هویت اصلی متهم شناخته شود؛ بنابراین کیفرخواست اصلاح می‌شود و با همان نام اصلی (جان ونبلز) حکم صادر می‌شود. وکیل آقای ونبلز در سال ۲۰۱۰ از دادگاه درخواست می‌کند که نسبت به دستور سال ۲۰۰۱ قاضی باتلر اسلاس یک اصلاحیه دائمی مبنی بر عدم انتشار نام آقای ونبلز، چهره و نشانی محل سکونت او قبل از بازگشت مجدد به زندان صادر شود. در جلسه دادگاه، آقای هادسون به نمایندگی از تعدادی از سازمان‌های رسانه‌ای حضور داشت. استدلال

اصلی آقای هادسون مبتنی بر اصل عدالت آزاد بود. طبق این قاعده کلی، رسیدگی‌های دادگاه‌ها باید به صورت علنی انجام و به‌طور کامل و آزاد گزارش شود. اصل عدالت آزاد، اعتماد عمومی به اجرای عدالت و ارزش حاکمیت قانون را ارتقا می‌دهد. در رویه قضایی انگلستان نیز در این زمینه آرای متعددی وجود دارد که در آن‌ها تقاضای صدور دستوری مبنی بر عدم انتشار نام و مشخصات مجرم، رد شده است. در این آرای قضایی تأکید شده است که مصلحت عمومی در اجرای عدالت کیفری اقتضا می‌کند که هویت محکومان جرائم کیفری پنهان نباشد. هرچند برای متهم ناراحت‌کننده باشد و حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی او را مختل کند؛ اما این موضوع نتیجه طبیعی جرم اوست و این رسوایی می‌تواند به نوبه خود یکی از عوامل بازدارنده از جرم باشد.

آقای قاضی بین بر اساس شواهدی که در اختیار داشت، متوجه شد که تهدید جامعه نسبت به آقای ونبلز کاهش نیافته است. شواهد نشان می‌داد که افراد زیادی در رسانه‌های اجتماعی برای مرگ آقای ونبلز، فعالیت‌ها و اقدامات جمعی انجام داده‌اند؛ بنابراین حقوق وی تحت ماده ۲ (حق حیات) و ماده ۳ (منع شکنجه) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر همچنان در معرض تهدید است و دولت وظیفه دارد از متهمان و زندانیان در برابر خشونت و تلافی محافظت کند. در رویه قضایی انگلستان نیز در مواردی که افشای هویت و مشخصات مجرم برای او خطر خشونت فیزیکی را در پی داشته است، دستور منع انتشار مشخصات مجرم صادر شده است. در برخی از این پرونده‌ها خطر خشونت فیزیکی به‌طور قابل توجهی نسبت به

خطری که آقای ونبلز را تهدید می‌کرد، کمتر بوده است.

بنابراین قاضی بین، درخواست اصلاح دائمی حکم سال ۲۰۰۱ را تأیید و دستور قاضی باتلر اسلاس را به این نحو اصلاح کرد که استثنائی که انتشار اطلاعات مربوط به رسیدگی‌های علنی را مجاز می‌داند، خود مشمول چند استثنا بدین شرح می‌شود: این اطلاعات ناپیستی منجر به تشخیص هویت و نام فعلی مجرم، آدرس محل زندگی او، محلی که اکنون نگهداری می‌شود و چهره کنونی او شود.

بر این اساس مطبوعات از افشای نام جدید آقای ونبلز، چهره، محل حبس و موقعیت مکانی او قبل از اینکه برای جرائم پورنوگرافی کودکان مجدداً به زندان بیفتد، ممنوع شدند. تنها جزئیاتی که مطبوعات مجاز به انتشار آن بودند، شهر محل زندگی او بود.

نهایتاً طبق رأی دادگاه، در انتشار این واقعیت که یکی از قاتلان جیمز بالجر اکنون به جرم پورنوگرافی کودکان محکوم شده است، منافع عمومی قابل درک و قانونی وجود دارد و این واقعیت و جزئیات آن جنایات می‌تواند آزادانه گزارش شود؛ اما هیچ منفعت عمومی مشروعی برای دانستن ظاهر او، محل بازداشت او یا محل دقیق که در آن دستگیر شده و در صورت آزادی ممکن است به آنجا برگردد، وجود ندارد. حتی اگر منافع عمومی مشروعی نیز در این اطلاعات وجود داشت، در مقایسه با شواهد قانع‌کننده‌ای که نشان می‌دهد اگر این حقایق علنی شود، امنیت فیزیکی و درواقع جان آقای ونبلز به خطر می‌افتد، کم‌اهمیت‌تر هستند.

۴/۲. پرونده مطرح شده در سال ۲۰۱۸

در ژوئن ۲۰۱۳، آقای ونبلز مجدداً با مجوز آزاد شد. با این حال، او در نوامبر ۲۰۱۷ پس از اینکه مشخص شد دوباره مقدار زیادی تصاویر پورنوگرافی کودکان را جمع‌آوری کرده است، به بازداشت فراخوانده شد.

در ژانویه ۲۰۱۸، پدر و عموی جیمز بالجر به دلایل مختلفی از جمله حمایت از عموم و برقراری تعادل بین حقوق آقای ونبلز تحت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و حقوق خانواده بالجر بر اساس ماده ۱۰ (آزادی بیان) این کنوانسیون، درخواست تغییر یا لغو حکم ۲۰۰۱ را دادند. آن‌ها همچنین اظهار داشتند که مطالب مربوط

به هویت فعلی آقای ونبلز به راحتی در اینترنت در دسترس است.

این پرونده نزد آقای اندرو مک فارلین، رئیس بخش خانواده مطرح شد. آقای مک فارلین از حفظ دستور مبنی بر عدم انتشار مشخصات آقای ونبلز، حمایت کرد و درخواست تغییر حکم را رد کرد. مک فارلین معتقد بود که باید تعادلی بین حقوق افرادی که متقاضی شفافیت هستند در مقابل حقوق آقای ونبلز ایجاد شود. اگر حقوق آقای ونبلز طبق ماده ۲ و یا ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در خطر نقض شدن باشد، لازم است دادگاه در مقابل حق آزادی بیان ناشی از ماده ۱۰ این کنوانسیون تعادل ایجاد کند.

پس از بررسی شواهد، آقای مک فارلین معتقد بود که هویت ونبلز به صورت عمومی در اینترنت در دسترس نیست؛ زیرا قطعیتی وجود نداشت که مطالب موجود در اینترنت مربوط به آقای ونبلز است. باین حال، به دلیل ابهام در مورد شواهد ارائه شده، آقای مک فارلین معتقد بود که حتی اگر هویت ونبلز «دانش مشترک» بود نیز دستور سال ۲۰۰۱ با وجود درز قابل توجه اطلاعات باید ادامه می یافت؛ زیرا هیچ کاهشی در بدنامی فرد یا احساس شدید خشم و نفرت نسبت به او وجود نداشته است و افشای هویت او، عواقب سنگین و احتمالاً مرگبار در پی دارد.

بررسی و تحلیل پرونده جان ونبلز حاوی دو نکته بسیار مهم است:

۱. رسانه‌ها می‌توانند یک عامل مؤثر در کاهش یا افزایش خطر آسیب‌های یک جرم باشند و حتی در صورتی که بخشی از اطلاعات محرمانه به قلمرو دانش عمومی ورود پیدا کنند و به راحتی در دسترس عموم باشند، باز هم بهتر است که در جهت حفظ منافع عمومی و رعایت مقررات حقوق بشری همچنان برخی از اطلاعات و مشخصات مربوط به مجرمین به صورت محرمانه باقی مانده و رسانه‌ها از انتشار عمومی آن‌ها منع شوند.

۲. نکته مهم دیگری که باعث تمایز این پرونده از سایر پرونده‌های مشابه می‌گردد، معیارهایی است که در جریان استدلال‌های مطروحه در مراحل مختلف دادرسی پرونده جهت تبیین حدود آزادی رسانه‌ها ارائه شده است. به عبارت دیگر این معیارها نشان می‌دهند که در چه پرونده‌هایی حفظ حقوق مجرمین بر آزادی

رسانه‌ها اولویت دارد و یا بالعکس آزادی رسانه‌ها منفعت اجتماعی بیشتری نسبت به جلوگیری از انتشار اطلاعات قضایی دارد. چنانکه در پرونده جان ونبلز عنوان شد قضات دادگاه‌ها پیش از صدور جواز انتشار اطلاعات قضایی باید معیارهایی نظیر شدت جرم ارتكابی، نوع جرم و بررسی امکان انتقامگیری‌های شخصی در اثر ارتكاب آن، میزان واکنش جامعه و جریحهدار شدن احساسات عمومی در پی ارتكاب جرم و وجود فایده عقلائی در انتشار اطلاعات را در نظر بگیرند و پس از بررسی این معیارها و تنها در صورتی که خدشه‌ای به حقوق مجرمین وارد نگردد، اجازه انتشار اطلاعاتی که منفعت عمومی جامعه را در پی دارند، صادر نماید.

۵. رویکرد نظام حقوقی فرانسه به مسئله تعارض میان آزادی رسانه‌ها و حقوق مجرمین

کشورهای اروپایی در زمینه وضع قوانین حقوقی در حوزه‌های مختلف همواره پیش‌تاز بوده‌اند. فرانسه یکی از اصلی‌ترین کشورهای اروپایی است که به قانونگذاری در حوزه رسانه‌ها پرداخته و بسیاری دیگر از کشورهای اروپایی و آسیایی قوانین خود را با الهام از قوانین این کشور تهیه و تدوین نموده‌اند. بدین جهت بررسی موضوع مورد بحث در این پژوهش، یعنی تعارض میان آزادی رسانه‌ها و حقوق مجرمین، در نظام حقوقی کشور فرانسه و بررسی مستندات قانونی مربوط به آن ضروری می‌نماید.

در کشور فرانسه بر اساس ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری، اصل بر علنی بودن دادرسی در دادگاه‌هاست؛ مگر اینکه علنی بودن جلسات محل نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد. طبق ماده ۴۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، دادگاه می‌تواند در جلسه علنی رأی صادر و در این رأی تصریح نماید که علنی بودن جلسه دادگاه برای نظم عمومی، کرامت اشخاص و یا منافع شخص ثالث خطرناک می‌باشد و دستور دهد که جلسه به صورت غیرعلنی برگزار گردد. (قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، ۱۳۹۱)

به عنوان یک اصل کلی در کشور فرانسه، انتشار روند دادرسی و اطلاعات قضایی حتی در جلسات علنی دادگاه ممنوع است. طبق ماده ۳۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، به محض آغاز جلسه دادگاه استفاده از هر نوع وسیله

ضبط صوتی، دوربین‌های فیلمبرداری و وسایل عکاسی ممنوع است.

در مواد ۳۸ و ۳۹ قانون آزادی مطبوعات فرانسه نیز ممنوعیت‌های دیگری در خصوص انتشار اطلاعات قضایی وضع شده است. بر اساس ماده ۳۸ انتشار اسناد و مدارک اتهام و کلیه اطلاعات مربوط به دعوای اقامه شده در دادگاه کیفری و همچنین انتشار هرگونه اطلاعات و اخبار مربوط به مذاکرات مشورتی مقامات قضایی ممنوع است. در این ماده اطلاعات مربوط به مصالح عمومی و نظم عمومی استثناء محسوب شده و نشریات می‌توانند صرفاً با اجازه رئیس یا معاون رئیس دادگاه نسبت به انتشار این اطلاعات اقدام نمایند. در ماده ۲-۳۸ نیز تصریح شده که در کلیه دادرسی‌های قضایی و اداری، ثبت کردن و انتشار مذاکرات یا تصاویر قضات و کارکنان دادگاه ممنوع است و صرفاً با اجازه رئیس دادگاه می‌توان مذاکرات و یا تصاویر را منتشر نمود. انتقال یا انتشار مذاکرات دادرسی به هر روشی خواه از طریق ثبت و ضبط یا از طریق ارائه اسناد دریافتی صورت گیرد، ممنوع بوده و تخلف از آن جرم می‌باشد. همچنین طبق ماده ۳۹ گزارش دادن از مذاکرات داخلی دادگاه اعم از گزارش‌های هیئت منصفه، دادگاه و دادسرا ممنوع است. بر اساس ماده ۴۰ قانون آزادی مطبوعات فرانسه اعلان و انتشار مجازات‌های قضایی، کیفری، تأدیبی و اعلان مجازات جزای نقدی نیز ممنوع می‌باشد. (اقمشه و سلمان پور، ۱۳۹۴: ۱۳۱-۱۳۰)

بررسی مواد قانونی فوق نشان می‌دهد که نظام حقوقی کشور فرانسه در مواجهه با تعارض میان آزادی رسانه‌ها و حقوق مجرمین، به طور سختگیرانه‌ای بر حفظ حقوق مجرمین و کلیه اشخاص مرتبط با پرونده تاکید دارد. چنانکه ملاحظه شد افزون بر اینکه ضبط صدا و تصاویر دادگاه ممنوع است؛ حتی انتقال یا انتشار مذاکرات و تصمیمات دادگاه‌ها نیز به طور کلی ممنوع است؛ مگر اینکه برای این کار اجازه لازم از رئیس دادگاه کسب شود. چنین رویکردی اگرچه می‌تواند به خوبی حفظ حقوق مجرمین را تضمین نماید؛ اما در عین حال خطری برای آزادی رسانه‌ها به حساب می‌آید و جامعه را از منافع که انتشار برخی اطلاعات پرونده‌های قضایی ممکن است در بر داشته باشد، محروم می‌نماید. البته انتشار اطلاعات قضایی در صورت کسب اجازه از رئیس دادگاه می‌تواند راهکاری برای جلوگیری از این امر باشد.

۶. رویکرد حقوق ایران در خصوص تعارض میان آزادی رسانه‌ها و حقوق مجرمین

افشای اطلاعات و انتشار تصویر و سایر مشخصات متهم در روزنامه‌ها به موجب ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری و افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه دیده، شهود، مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده به وسیله ضابطان دادگستری، جزء در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است. همچنین برای حفظ حیثیت متهم در همه مراحل تحقیقات مقدماتی مستنداً به ماده ۹۶ ق.آ.د.ک انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در همه مراحل تحقیقات مقدماتی به وسیله رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضائی ممنوع است مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان، انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است: الف- متهمان به ارتکاب جرائم عمومی موضوع بندهای (الف)، (ب)، (ت) ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک که متواری بوده و دلایل کافی برای توجّه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد، به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله و یا تصویر به دست آمده از طریق چهره‌نگاری آنان منتشر می‌شود.

ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته: «انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی به وسیله رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع است، مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است:

الف- متهمان به ارتکاب جرائم عمدی موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجّه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد، به منظور شناسایی آنان یا تکمیل ادله، تصویر اصلی یا تصویر به دست آمده از طریق چهره‌نگاری آنان منتشر می‌شود.

ب- متهمان دستگیر شده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدّد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده‌اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت یا اقامه دعوی خصوصی به وسیله آنان، منتشر می‌شود.»

وفق مقرره مذکور، اصولاً انتشار تصویر و هویت متهم ممنوع است و صرفاً در موارد محدودی جایز دانسته شده است. در همان موارد محدود نیز کسب موافقت دادستان الزامی است. شایان ذکر است که جرائم مندرج در بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، جرائم بالنسبه مهمی است که مجازات‌های سنگینی برای آن پیش‌بینی شده است.

با این حال، در دادگاه ویژه مبارزه با مفاسد اقتصادی تا حدودی وضع متفاوت است، به سبب حساسیت موضوع فسادهای اقتصادی و افزایش روزافزون تعداد مسئولان و اشخاصی که مرتکب فسادهای اقتصادی شده‌اند، به تشخیص رئیس دادگاه ممکن است جلسات رسیدگی به این جرائم علنی و قابل انتشار در رسانه‌ها باشد و از این طریق، تصویر و هویت این متهمان افشا می‌شود. رئیس سابق قوه قضائیه در مردادماه ۱۳۹۷ موافقت رهبر معظم انقلاب را با علنی و قابل انتشار بودن این جلسات کسب نمودند.

شایان ذکر است که ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، صرفاً راجع به مرحله تحقیقات مقدماتی است؛ لذا پس از پایان یافتن تحقیقات مقدماتی، انتشار مشخصات متهم ممنوع نیست. ماده ۹۰ این قانون تحقیقات مقدماتی را چنین تعریف نموده است: «تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضائی، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار با مخفی شدن متهم انجام می‌شود.»

حال، جای سؤال است که اگر شخصی پیش از آنکه تحقیقات مقدماتی پایان یابد، به افشای مشخصات متهم اقدام نماید، این تخلف او چه ضمانت اجرای قانونی خواهد داشت؟ ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری در پاسخ به این سؤال، ضمن تأکید بر محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی مقرر نموده است: «تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می‌گیرد، مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرّر نماید. کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند، موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند». با این حال، این ماده راجع به مقامات قضایی

است، نه افرادی همچون خبرنگاران.

نتیجه‌گیری

آزادی رسانه‌ها در دسترسی و انتشار اطلاعات قضایی، آثار بسیار مفیدی دارد که ایجاب می‌کند این حق را ارج نهاده و از آن حمایت شود؛ اما در مواردی آزادی رسانه‌ها و انتشار هویت و مشخصات مجرمین می‌تواند سبب تضییع حقوق انسانی مجرمین شود. اگرچه با حبس مجرمین، عموم مردم در برابر آن‌ها محافظت می‌شوند؛ اما اگر هویت و محل نگهداری مجرمین فاش شود، لزوماً مجرمین در برابر عموم مردم محافظت نمی‌گردند. جهت مطالعه تطبیقی، یکی از مهم‌ترین پرونده‌های مطرح در خصوص تعارض حقوق مجرمین و آزادی رسانه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. در پرونده جان ونبلز عنوان شد که رسانه‌ها می‌توانند یک عامل مؤثر در کاهش یا افزایش خطر آسیب‌های یک جرم باشند و حتی در صورتی که بخشی از اطلاعات محرمانه به قلمرو دانش عمومی ورود پیدا کنند و به راحتی در دسترس عموم باشند، باز هم بهتر است که در جهت حفظ منافع عمومی و رعایت مقررات حقوق بشری همچنان برخی از اطلاعات و مشخصات مربوط به مجرمین به صورت محرمانه باقی‌مانده و رسانه‌ها از انتشار عمومی آن‌ها منع شوند. همچنین قضات دادگاه‌ها پیش از صدور جواز انتشار اطلاعات قضایی باید معیارهایی نظیر شدت جرم ارتكابی، میزان واکنش جامعه و جریحه دار شدن احساسات عمومی در پی ارتكاب جرم و وجود فایده‌عقلانی در انتشار اطلاعات را در نظر بگیرند. لذا در مجموع باید توجه داشت که حفاظت از مظنونین، متهمان و مجرمین در مقابل خشونت و انتقام‌جویی، درگرو عدم انتشار اطلاعات پرونده‌های قضایی است تا حقوق اشخاص مذکور رعایت شود.

منابع

- اقمشه، علیرضا و سلمانپور، امیر. (۱۳۹۴). «حق دسترسی رسانه‌ها به اطلاعات قضایی (با مطالعه تطبیقی در ایران، فرانسه و امریکا)»، فصلنامه علوم خبری. پاییز ۱۳۹۴، شماره ۱۵، ۱۴۰-۱۱۷.
- انصاری، باقر. (۱۳۸۷). حقوق ارتباط جمعی. چاپ دوم، تهران: سمت.

انصاری، باقر. (۱۳۹۰) «مطالعه تطبیقی حق دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی»، فصلنامه پژوهش حقوق. سال سیزدهم، زمستان ۱۳۹۰، شماره ۳۵، صص ۲۶۹-۳۰۸.

تدین، عباس. (۱۳۹۱). *قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه*. چاپ اول، تهران: خرسندی.

تقی پور، علیرضا. (۱۳۸۲). «کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر»، پژوهش‌های مدیریت راهبردی (بصیرت). سال دهم، شماره ۳۰ و ۳۱، صص ۱۱۳-۱۲۸.

جعفری، حسین. (۱۳۹۶). «صیانت از هویت اشخاص در دادرسی کیفری ایران با نگاهی بر حقوق شهروندی»، دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی.

جوان جعفری، عبدالرضا و نوروزی، محمد. (۱۳۹۹). «رسانه‌ای کردن هویت متهم در فرایند تحقیقات مقدماتی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، مجله حقوقی د/دگستری. سال هشتاد و چهارم، بهار ۱۳۹۹، شماره ۱۰۹، صص ۲۲۷-۲۵۰.

حرّ عاملی، محمد (۱۴۱۴ ه.ق). *وسائل الشیعه*، جلد ۱۸، قم: کتابچی.

خادمی، مازیار و بولاغ، محمود. (۱۳۹۹). «نسبت حق حریم خصوصی و آزادی رسانه‌ها در رویه قضایی مریکا»، *تعالی حقوق*. سال یازدهم، تابستان ۱۳۹۹، شماره ۲، صص ۳۷-۶۷.

رستمی، ولی. (۱۳۸۶). «مشارکت مردم در فرایند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی)»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*. دوره ۳۷، شماره ۲، صص ۱۳۹-۱۷۲.

زمانی، عباس؛ رشادی، حمید؛ تقی پور، فائزه؛ کورنگ بهشتی، سیامک. (۱۴۰۰). «پدیدارشناسی ابعاد آزادی بیان در رسانه‌های ایران از دیدگاه اساتید علوم ارتباطات»، *دوفصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در رسانه و فرهنگ*. سال یازدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره ۱، صص ۱۴۱-۱۵۸.

طباطبائی مومتمنی، منوچهر. (۱۳۷۵). *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

فیض، علیرضا. (۱۳۷۹). *مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلامی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

قاسمی، حمید و فنزاد، رضا. (۱۳۹۷). *حقوق رسانه*. چاپ اول، تهران: اندیشه آرا.

مرادی حسناآباد، محسن. (۱۳۹۳). «پوشش تلویزیونی فرایند رسیدگی در دادگاه‌های کیفری»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۸۷، صص ۱۴۵-۱۶۳.

مقامی، امیر و عطاران، نادیا. (۱۳۹۸). « موازنه افشای حریم خصوصی خانوادگی چهره‌های مشهور در رسانه‌ها و آزادی بیان در رویه نهادهای قضایی»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۹، شماره ۲، صص ۳۱۱-۳۳۱.

Hess, Kären and Wayne Bennett (2006), *Criminal Investigation*, 8 edition, Wadsworth Publishing.

Hunter, Ronald D (2010), *Encyclopedia of Victimology and Crime Prevention*, Vol 1, Thousand Oaks, Calif: SAGE Publications.

Roberts, Julian. V, et al, (2003), *Penal Populism and Public Opinion: Lessons from Five Countries*, New York: Oxford University Press.

Summers, Sarah, (2007), *Fair Trial: The European Criminal Procedural Tradition and The European Court of Human Rights*, Oxford and Portland, Oregon: Hart publishing.

Timothy, Griffin, Monica K. Miller (2010), *Encyclopedia of Victimology and Crime Prevention*, Vol 2, Thousand Oaks, Calif: SAGE Publications.